****

[ادامه بحث منتهای زمان وقوف به مشعر 1](#_Toc488842980)

[اشکال محقق خوئی به صاحب جواهر ره 1](#_Toc488842981)

[مناقشه 2](#_Toc488842982)

[ادله دیگر محقق خوئی ره و مناقشه در آن 3](#_Toc488842983)

[نظریه مختار 5](#_Toc488842984)

[نکته 6](#_Toc488842985)

**موضوع**: احکام مشعر /وقوف در مشعر /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بحث منتهای زمان وقوف به مشعر

مرحوم شیخ طوسی در تهذیب فرموده: وَ لَا بَأْسَ أَنْ يُفِيضَ الْإِنْسَانُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ بِقَلِيلٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَجُوزُ وَادِيَ مُحَسِّرٍ إِلَّا بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ[[1]](#footnote-1)

صاحب جواهر نیز همین نظریه را دارد.

### اشکال محقق خوئی به صاحب جواهر ره

محقق خوئی به ادله صاحب جواهر اشکال کرد، یک مستند صاحب جواهر، صحیحه معاویة بن عمار است (البته صاحب جواهر گفته للاصل و اطلاق الادلة و به این روایت استناد نکرده، و صحیحه معاویة بن عمار را در دفع این اشکال مطرح کرده که گفته شود یشرق لک ثبیر، یعنی زمان طلوع آفتاب و در جواب فرموده و تری الابل مواضع اخفافها، به معنای زمان روشن شدن هوا است.)

محقق خوئی فرموده اشراق ثبیر، کنایه از طلوع شمس است و شاهد آن صحیحه دیگر معاویة بن عمار است که شاید تتمه صحیحه اول معاویة بن عمار باشد: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْأَسَدِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ثُمَّ أَفِضْ حَيْثُ يُشْرِفُ لَكَ ثَبِيرٌ- وَ تَرَى الْإِبِلُ مَوَاضِعَ أَخْفَافِهَا- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ- أَشْرِق ثَبِيرُ كَيْمَا نُغِيرَ- ...[[2]](#footnote-2)

#### مناقشه

ما در جواب از محقق خوئی گفتیم استشهاد به ذیل صحیحه دوم معاویة بن عمار نادرست است، زیرا گرچه مقصود اهل جاهلیت از این تعبیر، طلوع آفتاب بوده است، اما در این روایت که نیامده و تری الابل مواضع اخفافها و ظهور هم ندارد که چون مقصود از این ذیل، طلوع آفتاب است، افض حین یشرق لک ثبیر نیز به معنای طلوع شمس باشد.

نهایتا این روایت اگر مجمل شود، به معتبره اسحاق بن عمار رجوع می شود: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ع أَيُّ سَاعَةٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ- أَنْ أُفِيضَ مِنْ جَمْعٍ قَالَ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ بِقَلِيلٍ- فَهُوَ أَحَبُّ السَّاعَاتِ إِلَيَّ- قُلْتُ فَإِنْ مَكَثْنَا حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ قَالَ لَا بَأْسَ.[[3]](#footnote-3)

ظاهر روایت این است که خروج از مشعر قبل از طلوع شمس بقلیل باشد.

روایت دیگر نیز، مرسله است: وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَقِفَ بِجَمْعٍ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ- وَ سَائِرُ النَّاسِ إِنْ شَاءُوا عَجَّلُوا وَ إِنْ شَاءُوا أَخَّرُوا.[[4]](#footnote-4)

ولی این که مرسله توجیه شود به این که مردم قبل از طلوع آفتاب می توانند شروع به حرکت کنند، خلاف ظاهر است، بلکه ظاهر روایت این است که قبل از طلوع آفتاب می توانند از مشعر بیرون بروند.

### ادله دیگر محقق خوئی ره و مناقشه در آن

محقق خوئی به صحیحه هشام نیز استدلال نمود: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَجُوزُ وَادِيَ مُحَسِّرٍ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ.[[5]](#footnote-5)

ایشان فرموده مقصود صحیحه این است که قبل از طلوع شمس وارد وادی محسر نشو و در مشعر بمان، و گرنه اگر مقصود عدم خروج از وادی محسر بود، باید گفته می شد لاتدخل منی حتی تطلع الشمس.

و لکن به نظر ما این استدلال نیز ناتمام است، تجاوز در لغت عربی به معنا گذر کردن از یک چیز است، نه وارد شدن در یک چیز.

محقق خوئی به عنوان موید بر نظریه خود، روایاتی را مطرح کرده که می گوید: رخص رسول الله للنساء ان یفضن بلیل، یعنی فقط ضعفاء و نساء می توانند شب افاضه کنند و تا طلوع آفتاب نشود شب است.

این کلام نیز ناتمام است، زیرا؛

اولا: خود شما گفتید افاضه قبل از طلوع شمس بلااشکال است، فقط خروج از مشعر اشکال دارد و این روایت نیز افاضه را مطرح کرده است و نه خروج از مشعر.

ثانیا: لیل در اصطلاح متشرعی، تا طلوع فجر است و نه تا طلوع آفتاب و بر اساس روایات، نماز صبح، اولین نماز روز است.

ثالثا: وقتی گفته می شود نساء و ضعفاء می توانند شب افاضه کنند، ظاهرش این است که قبل طلوع فجر هر وقت خواستند، افاضه کنند و لازم نیست تا طلوع فجر صبر کنند، ولی ربطی به دیگران ندارد که لازم باشد طلوع فجر را در مشعر باشند و از این نمی توان استفاده کرد که دیگران باید تا طلوع آفتاب در مشعر بمانند.

موید دیگر ایشان روایت عبد الحمید بن ابی الدیلم است: وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُمِّيَ الْأَبْطَحُ أَبْطَحَ- لِأَنَّ آدَمَ ع أُمِرَ أَنْ يَبْتَطِحَ فِي بَطْحَاءِ جَمْعٍ- فَتَبَطَّحَ حَتَّى انْفَجَرَ الصُّبْحُ- ثُمَّ أُمِرَ أَنْ يَصْعَدَ جَبَلَ جَمْعٍ- وَ أَمَرَهُ إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ أَنْ يَعْتَرِفَ بِذَنْبِهِ فَفَعَلَ ذَلِكَ- فَأَرْسَلَ اللَّهُ نَاراً مِنَ السَّمَاءِ فَقَبَضَتْ قُرْبَانَ آدَمَ.[[6]](#footnote-6)

اما این موید نیز ناتمام است، زیرا؛

اولا: حضرت آدم مامور بود که تا طلوع آفتاب بماند که اعتراف به ذنب کند و ربطی به دیگران ندارد.

ثانیا: در روایت نیامده که اعتراف به ذنب هنگام طلوع شمس، در مشعر باشد.

### نظریه مختار

لذا به نظر ما اقوی جواز خروج از مشعر الحرام قبل از طلوع شمس است و بر فرض که ادله اجمال داشته باشد، استصحاب بقاء وجوب وقوف در مشعر می شود بنا بر جریان استصحاب در شبهات حکمیه، اما ما که استصحاب در شبهات حکمیه را قبول نداریم، برائت از وجوب تا طلوع آفتاب جاری می کنیم.

البته عجیب است که صاحب جواهر که استصحاب در شبهات حکمیه را قبول دارد، برای جواز خروج قبل از طلوع آفتاب به اصل رجوع می کند.

#### نکته

ما در بحث وقوف قائلیم اگر شبهه مفهومیه و مصداقیه عرفات یا مشعر باشد، نمی شود در مکان مشکوک وقوف کرد، شبهه مصداقیه مثل این که نمی داند به مرز عرفات یا مشعر رسیده یا نه و در شبهات مفهومیه نیز ما قائل به وجوب احتیاط هستیم، گرچه مرحوم تبریزی در شبهه مفهومیه امکنه قائل به جریان برائت بود، زیرا دوران امر بین تعیین و تخییر می شود.

ولی به نظر ما عرفا قف فی المشعر، یعنی قف فی مکان یراه العرف مشعرا و ممکن است حتی مولا بما هو مولا نیز نداند مرز مشعر کجاست؟ خصوصا که مرز مشعر گرچه از دو طرف معین شده، اما از دو طرف دیگر معین نشده است.

(البته اگر ابتداء در مکان متیقن باشیم و بعد به مکان مشکوک به شبهه مصداقیه برویم، مشکلی نیست، زیرا استصحاب می گوید هنوز در مشعر هستیم.)

لذا ما قاعده اشتغال جاری می کنیم، اما وقتی صبح می خواهیم از مشعر خارج شویم، در شبهه مصداقیه آن نیز می توان برائت جاری کرد، چه رسد به شبهه مفهومیه آن، زیرا در این جا بحث از حرمت خروج از مشعر یا وادی محسر است، نه وجوب وقوف، حرمت نیز انحلالی است و معنایش این است که کلما صدق علیه الافاضة من المشعر قبل طلوع الشمس، فهو حرام، لذا نسبت به شبهه مصداقیه یا مفهومیه، شک در حرمت زائده داریم و از آن برائت جاری می شود، بر خلاف وجوب که به صرف الوجود تعلق می گیرد و لذا شک در تکلیف نداریم، بلکه شک در امتثال داریم.

1. [تهذيب الأحكام؛ ج‌5؛ 192؛ 15 باب نزول المزدلفة ؛ ج 5، ص : 188](http://lib.eshia.ir/10083/5/192) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 26؛ 15 باب استحباب كون الإفاضة من المشعر قبل طلوع الشمس بقليل ذاكرا داعيا مستغفرا على سكينة و وقار و لا يتجاوز وادي محسر قبل طلوعها و جواز الإفاضة بعده و استحبابه للإمام ؛ ج 14، ص : 25](http://lib.eshia.ir/11025/14/26) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 25؛ 15 باب استحباب كون الإفاضة من المشعر قبل طلوع الشمس بقليل ذاكرا داعيا مستغفرا على سكينة و وقار و لا يتجاوز وادي محسر قبل طلوعها و جواز الإفاضة بعده و استحبابه للإمام ؛ ج 14، ص : 25](http://lib.eshia.ir/11025/14/25) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 26؛ 15 باب استحباب كون الإفاضة من المشعر قبل طلوع الشمس بقليل ذاكرا داعيا مستغفرا على سكينة و وقار و لا يتجاوز وادي محسر قبل طلوعها و جواز الإفاضة بعده و استحبابه للإمام ؛ ج 14، ص : 25](http://lib.eshia.ir/11025/14/26) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌13؛ 528؛ 7 باب جواز الخروج من منى قبل طلوع الشمس و لا يجوز وادي محسر حتى تطلع الشمس و استحباب كون الخروج بعد طلوعها و تأكده للإمام ؛ ج 13، ص : 527](http://lib.eshia.ir/11025/13/528) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 11؛ 4 باب وجوب الوقوف بالمشعر ؛ ج 14، ص : 10](http://lib.eshia.ir/11025/14/11) [↑](#footnote-ref-6)